

## معناشناسی وحی و تحلیل آن در انگاره مدعی یمانی

صغری نورافشان\*\*

### چکیده

برخی مفاهیم دینی، نقش مهم و اساسی در شکل‌گیری مبانی نظری دارند که اگر این مفاهیم به درستی تبیین نشوند، ممکن است به جهت اشتراک لفظی، مورد سوء استفاده مغرضانه قرار بگیرند. «وحی» یکی از اساسی‌ترین واژگان دین است که از جمله مبانی صدور دو علم تفسیر و کلام است. در این میان افراد و جریانات انحرافی، نظیر جریان احمد الحسن، سعی در تغییر ماهیت وحی دارد، تا بتواند «ادعای نبوت» خویش (پیامبری) را اثبات نماید؛ در پژوهش حاضر تلاش شده دیدگاه مدعی یمانی درباره وحی و در مورد آیه «خاتم النبیین» مورد ارزیابی قرار گرفته و با استفاده از روش انتقادی/تحلیلی، به تحکیم مبانی مسلم دینی و معرفت بخشی اقشار مختلف جامعه پرداخته شود. مدعی یمانی بر این باور است که «نبی» با ملکوت آسمان‌ها ارتباط داشته و از غیب خبر دارد و حال آنکه دانستن غیب برای هر پیامبری لازم هست ولی کافی نیست. به این معنا که به صرف اطلاع یافتن بر اخبار غیبی، نبوت و پیامبری حاصل نمی‌شود؛ چنانکه اشخاص بلندمرتبه‌ای نظیر حضرت صدیقه طاهره و ائمه هدی علیهم السلام اطلاع بر اخبار غیبی داشتند ولیکن نبی و پیامبر نبودند.

وی در معنای «خاتم النبیین» نیز تصرف نموده و آن را پایان دهنده گذشته و راهگشای آینده می‌داند؛ تا از این رهگذر زمینه‌ی ادعای پیامبری خویش را فراهم نماید؛ در حالی که به تصریح آیات و روایات بعد از پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله هیچ نبی نخواهد بود. مدعی یمانی مقام نبوت را اکتسابی دانسته تا از این رهگذر به ادعای خود برسد؛ در حالی که مقام نبوت موهبتی است.

### کلیدواژه

وحی؛ نبی؛ نبوت؛ خاتمیت؛ یمانی؛ احمد الحسن؛ احمد بصری.

## درآمد

دوری از معارف حقه قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام، موجب خلأهای معرفتی در جامعه می‌شود. از مهمترین ترندهای مدعیان دروغین ورود به عرصه مبانی نظری و دست اندازی به مفاهیم اولیه و مسلمات دینی به خصوص مبانی مهدوی است که با استفاده از شیوه‌های نوین، در قالب آیات و روایات، به ایجاد شکاف و تزلزل در مبانی و مسلمات دینی از طریق تحریف واژه‌هایی همچون «وحی» و «نبوت» هستند، تا از این رهگذر بتوانند انحراف مهدوی خود را تثبیت کنند و به اهداف شوم خود برسند. در این میان در سال‌های اخیر جریان انحرافی احمدالحسن در عراق شکل گرفته و وارد ایران شده است، احمداسماعیل بصری خود را فرزند باواسطه‌ی امام مهدی علیه السلام و زمینه‌ساز ظهور و یمانی موعود و مهدی اول و امام سیزدهم معرفی کرده و برای اثبات ادعای امامت خویش، به الهامات رحمانی که از طریق رؤیا، حاصل می‌شود و به القائات و حیانی تمسک می‌جوید و وحی را به گونه‌ای معنا و تفسیر می‌کند که هم برای خود و هم برای دیگران، قابل دسترسی است و در این مسیر ادعاهای متعددی از جمله «نبوت» و استمرار وحی را نیز داشته است و لذا لازم است حقیقت معنای وحی بررسی شده تا پاسخ متقن و علمی به ادعاهای احمداسماعیل داده شود.

کتاب متعددی در این زمینه نوشته شده است؛ نظیر کتاب «الوحی و النبوءه» اثر جوادی آملی و ترجمه آن توسط مرتضی واعظ جوادی با عنوان «وحی و نبوت»، که علاوه بر تبیین مبانی نبوت و رسالت، به پاسخ‌گویی شبهات وحی و نبوت پرداخته است و نیز کتاب «فراتر از امر بشری»، اثر عبدالحسین خسروپناه که به تبیین و نقد دیدگاه وحی‌شناسانه عبدالکریم سروش و محمد مجتهد شبستری و کتاب «وحی شناسی، بررسی دیدگاه‌های قدیم و جدید درباره ماهیت و ویژگی‌های وحی»، اثر علی ربّانی گلپایگانی، کتاب «تفسیر وحی در الهیات مسیحی»، اثر جعفر سبحانی، کتاب «امکان ارتباط با جهان غیب»، اثر جعفر سبحانی و کتاب «بررسی و نقد مستندات قرآنی جریان انحرافی احمداسماعیل»؛ تألیف جواد اسحاقیان درچه و لکن با وجود اینکه آثار ارزشمند ذکر شده یاری‌گر مفیدی برای نویسنده بوده اما هیچ یک از این آثار به مسئله «وحی در انگاره مدعی یمانی» نپرداخته و همین خلاء پژوهشی، نگارنده را بر آن داشت تا به این مهم بپردازد، تا با بهره‌گیری از آیات و روایات و منابع دست اول شیعه و ادله متقن علمی و عقلی، به تحلیل و ارزیابی وحی در انگاره مدعی یمانی بپردازد و پژوهشی در خور و شایسته‌ای را دنبال کند و در پی پاسخ به این سوالات برآید که ماهیت و مفهوم وحی چیست؟ مدعی یمانی در خصوص وحی چه دیدگاهی دارد؟ چه اشکالاتی بر انگاره مدعی یمانی وارد است؟ هدف از نگاشتن نوشته پیش رو تبیین درست معنای وحی و تحکیم مبانی مسلم دینی برای جامعه ایمانی و مصونیت جامعه از انحراف در مفاهیم اولیه دین و باورهای کلامی آنان است. و اما اینکه در این نوشتار به جای واژه دیدگاه، از واژه «انگاره» استفاده شده است، به جهت آن است که دیدگاه‌ها و

ادعاهای احمدبصری، خلاف واقع و بی اساس است و این واژه، متحمل چنین معنایی است؛ چنانکه در لغت آمده است: انگاره به معنای پندار، تصور، فکر و خیال، افسانه، سرگذشت گفته شده است. (ر.ک: عمید، ۱۳۸۷ش: ص ۲۵۴)

## ماهیت وحی در انگاره مدعی یمانی

احمدالحسن به صورت مستقیم به تعریف و بیان ماهیت وحی نپرداخته است ولیکن از مجموع مطالب و ادعاهایی که درباره موضوعات مرتبط با وحی بیان کرده، می توان به تعریفی از وحی در انگاره وی دست پیدا کرد و از تعریفی که برای نبی داشته چیزی جز دیدگاه وی در خصوص وحی بدست نمی آید و نیز از انگاره وی در مسئله ختم نبوت و انکار خاتمیت به خوبی برمی آید که وی وحی را امری مستمر می داند؛ از این رو لازم است ابتدا به بیان مجموعه مطالب و ادعاهای پیرامونی وحی پرداخته، تا بتوان به تعریف و ماهیت وحی در انگاره های مدعی یمانی دست پیدا کرد.

### ۱) معنای «نبی» در انگاره مدعی یمانی

احمدبصری بر این اعتقاد است که «نبی کسی است که از غیب و اخبار آسمان ها خبر دارد»<sup>۱</sup> (ر.ک: بصری، ۱۴۳۱ق: ص ۹) و کلمه نبی در اصل از «نبا» گرفته شده و «نبا» یعنی غیبی که ظاهر شد و بالا رفت تا مردم آن را ببینند و شناخته شد بعد از اینکه مخفی و مجهول بود. (همان)

ارزیابی معنای نبی

در مورد معنای نبی باید گفت از دیدگاه لغویون نبی بر وزن فعلیل، به معنای فاعل. (ر.ک: جوهری، (بی تا): ج ۱، ص ۷۴ و فیروزآبادی، (بی تا): ج ۱، ص ۲۹ و فیومی، ۱۴۱۴ق: ج ۱، ص ۳۰۵) و به معنی خبر دهنده است؛ زیرا که نبی از جانب خدا خبر می دهد؛ چنان که در این آیه شریفه آمده است: «به بندگان من خبر ده که فقط منم غفور رحیم»<sup>۲</sup> (حجر ۱۵)، آیه ۴۹) و از آیه «هیچ رسول و پیامبری را پیش از تو نفرستادیم مگر این که هرگاه آرزوی پیشبرد اهداف الهی خود می کرد، شیطان وسوسه ها و القائاتی در آن می افکند»<sup>۳</sup> (حج ۲۲)،

---

<sup>۱</sup> . «معنی کلمه نبی (الدینی)، هو الشخص الذي يعرف الأخبار السماء. فکلمة نبی فی الأصل مأخوذة من نبأ، فالنبا هو الغیب الذي ظهر و ارتفع لیراه الناس و عرف بعد أن کان مستورا و مجهولا».

<sup>۲</sup> «نَبِیُّ عِبَادِی اَنتَی اَنَا الْغَفُورُ الرَّحِیْمُ»

<sup>۳</sup> «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ وَلَا نَبِیٍّ إِلَّا إِذَا تَمَنَّیَ الشَّیْطَانُ فِی أُمْنِیَّتِهِ»

آیه ۵۲) معلوم می‌شود که نبیّ رسالت دارد نه این‌که فقط حامل خبر باشد. (ر.ک: حکیم، ۱۴۱۷ق: ص ۱۲۷) اگر چه احتمال این که به معنی مفعول باشد نیز هست، به معنی «خبر داده شده»؛ زیرا که نبیّ از جانب خدا خبر داده می‌شود؛ چنان‌که در آیه شریفه «خدای علیم و خبیر به من خبر داد»<sup>۱</sup> (تحریم (۶۶)، آیه ۳) بر این معنا دلالت دارد.

«نبی» به معنای «خبر» آمده؛ چون به دیگران اخبار الهی را می‌رساند. (ر.ک: فراهیدی، ۱۴۰۹ق: ج ۸، ص ۳۸۲). و به خبری که فایده‌ی عظیمی داشته و مفید علم و ظن غالب است، گفته می‌شود. (ر.ک: راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ص ۷۸۸) همچنین «نبی» به معنای رفعت و بلندی می‌باشد؛ زیرا از شأن و جایگاه والایی برخوردار است. (ر.ک: مصطفوی ۱۳۶۸ش: ج ۱۲، ص ۱۴) و «نبی» به معنای طریق گفته شده؛ زیرا طرق هدایت را به بشر نشان می‌دهد. (ر.ک: مصطفوی ۱۳۶۸ش: ج ۱۲، ص ۱۴ و زبیدی واسطی، ۱۴۱۴ق: ج ۲۰، ص ۲۱۳) و نیز به معنای صوت خفی آمده؛ زیرا نبی، سخن گوی خداوند است. (ر.ک: لسان العرب، ۱۴۰۸ق: ج ۱، ص ۱۶۴ و طریحی، ۱۳۷۵ش: ج ۱، ص ۴۰۶ و زبیدی واسطی، ۱۴۱۴ق: ج ۱، ص ۲۵۷) و در اصطلاح «نبی» به کسی گفته می‌شود که از طرف خداوند متحمل خبری برای هدایت مردم به همراه مقام رسالت و ادعای پیامبری است؛ (ر.ک: حکیم، ۱۴۱۷ق: ص ۲۷) نه این‌که هر کس خبری از غیب و آسمان‌ها داشت، نبی و پیامبر است؛ چنان‌که ائمه هدی علیهم‌السلام همگی مطلع بر این اخبار بودند (صفار، ۱۴۰۴ق: ج ۱، ص ۳۱۱) ولی نه تنها ادعای نبوت نکردند، بلکه خود مروج «إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي» (مفید، ۱۴۱۳ق: ج ۱، ص ۸) پیامبر خدا صلی‌الله و علیه و آله و سلم بودند. از مجموع آنچه گفته شد بر می‌آید که به صرف خبرداشتن از آسمان‌ها و از غیب، موجب اطلاق اسم «نبی» بر شخص نمی‌گردد، در حالی‌که مدعی یمانی، به دنبال تعریفی برای نبی است تا در ادامه بتواند به راحتی آن را بر خودش تطبیق داده و زمینه ادعای نبوت خویش را فراهم نماید.

بنابراین بین اطلاع داشتن بر غیب و اخبار آسمانی و بین نبی بودن، نسبت عموم و خصوص مطلق است؛ به این معنا که هر نبیّ مطلع بر غیب و اخبار آسمانی هست ولی هر مطلعی نبی نیست، به عبارت دیگر اطلاع داشتن بر غیب و اخبار آسمانی شرط لازم نبوت هست ولی شرط کافی نیست. از این رو حتی اگر (بر فرض محال) صغرای داشتن احمد بصری را بر اخبار آسمانی بپذیریم ولی این ادعا، اثبات نبوت وی را نمی‌کند.

## ۲) ادعای نبوت در انگاره مدعی یمانی

<sup>۱</sup> «نَبَّأَنِي الْعَلِيمُ الْخَبِيرُ»

احمد الحسن بر این باور است که مهر نبوت بر شانه و کتف اوست. (ر.ک: بصری، ۱۴۳۲ق: ج ۴، ص ۵۲، سوال ۳۲۴ و بصری ۱۴۳۱ق: ج ۴، ص ۲۲۸، سوال ۱۴۴) همچنین داشتن مهر نبوت را برای تمام اوصیای رسول خدا صلی الله علیه و آله باور دارد. (ر.ک: بصری، ۱۴۳۶ق: ج ۱، ص ۱۳۰ و ر.ک: بصری، ۱۴۳۲ق: ج ۴، سوال ۳۲۴، ص ۵۳). و می‌گوید: دعوت من مثل دعوت نوح علیه السلام و مانند دعوت ابراهیم علیه السلام و مانند دعوت موسی علیه السلام و مانند دعوت عیسی علی نبینا و آله و علیه السلام و نیز مثل دعوت محمد صلی الله و آله و سلم می‌باشد. (بصری، ۱۳۹۴ش: ج ۱، ص ۱۲) وی در جای دیگر وقتی از او سؤال می‌شود که آیا مهر نبوت بر پشت یمانی ظاهر است به طوری که با چشم قابل مشاهده باشد؟ وی می‌گوید: مهر نبوت بر پشت هر وصی از اوصیاء و ائمه و مهدیین وجود دارد ولی در ظاهر پیدا نیست. لکن خدا می‌تواند برای هر کس که بخواهد آن را ظاهر کند یا اینکه در رؤیا یا در مکاشفه به او نشان دهد. (بصری، ۱۴۳۲ق: ج ۴، سوال ۳۲۴، ص ۵۳).

اگر چه ادعای نبوت از این مقدار از کلمات وی به صراحت بر نمی‌آید و لکن ایشان در پاسخ به پرسشی که مطرح شده به صراحت، آیاتی از قرآن که مشتمل بر کلمه «رسول» هستند را بر خود تطبیق داده و مدعی می‌شود که این آیات اشاره به وی دارد؛ نظیر O وَ مَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّى نَبْعَثَ رَسُولًا (اسراء ۱۷)، آیه ۱۵ و O هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ O (جمعه ۶۲)، آیه ۲ و O اِنِّیْ لَهُمُ الذِّكْرٰی وَقَدْ جَاءَهُمْ رَسُولٌ مُّبِیْنٌ O (دخان ۴۴)، آیه ۱۳ و O لِكُلِّ اُمَّةٍ رَّسُوْلٌ فَاِذَا جَاءَ رَسُوْلُهُمْ قُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ وَهُمْ لَا يَظْلُمُوْنَ O (یونس ۱۰)، آیه ۴۷ و به این ترتیب صریحاً خود را «رسول» ذکر شده در این آیات می‌داند. (بصری، ۱۴۳۲ق: ج ۱، ص ۲۳)

وی در ادامه‌ی ادعاهای خود سلسله نبوت و امامت را پایان ناپذیر دانسته (بصری، ۱۴۳۱ق: ص ۱۶) بعد از ادعای مهدی اول بودن، خود را به هر دو سلسله نبوت و ولایت منتسب می‌کند. (بصری، ۱۴۳۲ق: ج ۴، ص ۴۶) به این ترتیب ادعای نبوت در کلمات ایشان بسیار واضح است.

### ارزیابی ادعای نبوت

در پاسخ به ادعای نبوت احمد بصری نخست باید گفت ادعای احمد بصری مبنی بر رسالت و نبوت، یک ادعای نوین و جدیدی نیست که نخستین بار توسط وی ادعا شده باشد، بلکه این ادعای دروغین، پیشینه‌ای بس طولانی دارد که از همان عصر رسول گرامی اسلام صلی الله و آله و سلم این ادعاها آغاز گردیده که به عنوان نمونه می‌توان به أسود عنسی (ابن عبدالبر، ۱۴۱۲ق: ج ۳، ص ۱۲۶۴)، طلیحه بن خویلد (همان، ج ۲، ص ۷۷۳)، سجاح (العسقلانی، ۱۴۱۵ق: ج ۷، ص ۳۴۴) و مسیلمه بن ثمامه معروف به مسیلمه کذاب (طبری، بی: ج ۳، ص ۱۴۶) اشاره نمود، هرچند این مدعیان با انکار نبوت پیامبر خدا صلی الله و آله و سلم دست به چنین ادعایی

## ارزیابی آیه خاتمیت

«خاتم» را در آیه شریفه فقط عاصم بفتح تاء خوانده، بقیه قراء بکسر تاء خوانده‌اند و بنا بر قرائت کسر، «خاتم» بمعنی ختم کننده و تمام کننده است؛ زیرا که پیغمبران را ختم کرده و به آخر رسانده است. و بنا بر قرائت فتح خاتم یعنی آخر النبیین است (قرشی بنایی، ۱۴۱۲ق: ج ۲، ص ۲۲۶). ولذا در هر دو قرائت خاتم النبیین یعنی بعد از او نبوتی نخواهد بود تا روز قیامت. مسلمانان، قرآن را به عنوان آخرین کتاب و آخرین مرحله وحی از طرف خداوند متعال می‌دانند. حتی در کتب آسمانی دیگر نیز بحث خاتمیت با صراحتی غیر قابل توجیه بیان شده است؛ نظیر آنچه که سید ابن طاووس از تورات نقل می‌کند: «واختم به انبیائی و رسلی فعلی محمد صلی الله علیه و آله و أمته تقوم الساعة» (ابن طاووس، ۱۳۷۶ش: ج ۲، ص ۳۴۰).

بنابراین توجیه ذکر شده از سوی احمدالحسن، نه با آنچه در لغت آمده سازگاری دارد و نه با مدلول صریح روایات و ادله نقلی، هم خوانی دارد؛ زیرا در روایات متعددی به مسأله ختم نبوت تصریح شده و از جملاتی چون «أَنَا عَقَبُ النَّبِيِّينَ لَيْسَ بَعْدِي رَسُولٌ» (ابن بابویه، ۱۳۶۲ش: ج ۲، ص ۴۲۵) و «لَا نَبِيَّ بَعْدِي» (شیخ حر عاملی، ۱۴۰۹ق: ج ۱، ص ۲۳؛ ابن بابویه، ۱۳۹۸ق: ص ۳۹۹) و «اختم به انبیائی و رسلی» (ابن طاووس، ۱۴۰۹ق: ج ۱، ص ۵۰۹) و «فَقَفَى بِهِ الرُّسُلَ وَ خَتَمَ بِهِ الْوَحْيَ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۳۳) و «خاتم رُسُلِهِ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۷۳) استفاده شده است مضافاً بر اینکه اگر این توجیه ایشان را بپذیریم، پس باید صحیح باشد که تمامی پیامبران را خاتم النبیین بدانیم چون همگی چنین بودند که پایان سلسله پیامبران قبلی و آغازی بر ادامه سلسله پیامبران بعد از خودشان بوده‌اند، و حال آن که چنین سخنی را هیچ کس نمی‌پذیرد.

بنابراین اگرچه مدعی یمانی مستقیماً به تعریف و ماهیت وحی نپرداخته است و این خود مؤید آن است که از وحی همان معنایی که در اذهان مخاطبین مرتکز است یعنی وحی رسالتی را اراده کرده است و لکن در ضمن ادعاها و مطالبی که قبل از این از ایشان بیان کردیم به برخی نکات در راستای تعریف وحی در انگاره‌های مدعی یمانی می‌توان دست یافت؛ نظیر اینکه از تعریف ارائه شده برای «نبی» در کلمات ایشان برمی‌آید که وحی از دیدگاه وی به معنای ارتقاء و ارتباط با ملکوت آسمان‌ها و اطلاع یافتن بر اخبار آسمانی و غیبی است، هرچند ممکن است گفته شود که انباء اعم از وحی است و لکن چون مدعی یمانی در مقام بیان تعریف «نبی» بوده پس لابد باید از ویژگی‌های خاص نبی که او را از دیگران متمایز می‌کند، یاد کرده باشد و مسلم این ویژگی هر انبائی نیست تا شامل الهام و مکاشفه و ... بشود بلکه به طور حتم مراد وی انباء در قالب تلقی وحی است؛ بنابراین تعریفی که ایشان برای «نبی» ارائه نموده چیزی جز دیدگاهشان در خصوص وحی نیست و از دیدگاهی که در مسئله ی ختم نبوت دارد و آن را انکار نموده و آیه شریفه خاتم النبیین را

از تشابهات تلقی کرده، به خوبی برمی آید که وی وحی را امری مستمر در بستر بشریت تا دامنۀ قیامت می داند و از ادعای نبوت و رسالت برای خود و کافۀ مؤمنین و اینکه مقام نبوت را یک مقام اکتسابی تلقی کرده بر می آید که وحی را به عنوان امری که دسترسی به آن برای همه آحاد بشر ممکن و میسر است می داند.

## نتیجه گیری

۱. مدعی یمانی مستقیماً به تعریف و ماهیت «وحی» نپرداخته است ولیکن از مجموعه مطالب و ادعاهایی که پیرامون موضوعات مرتبط با وحی بیان داشته می‌توان به تعریفی از وحی در انگاره وی دست پیدا کرد.
۲. مدعی یمانی بر این باور است که «نبی» به کسی گفته می‌شود که با ملکوت آسمان‌ها ارتباط داشته و از غیب و اخبار آسمان‌ها خبر دارد؛ درحالی که به صرف خبر داشتن از غیب و اخبار آسمان‌ها موجب اطلاق اسم نبی بر شخص نمی‌گردد و اخبار آسمانی شرط لازم نبوت هست؛ لکن شرط کافی نیست.
۳. مدعی یمانی بر این گمان است که «خاتم النبیین» یعنی پایان دهنده به آنچه گذشته و راهگشای آنچه خواهد آمد می‌باشد؛ در حالی که به تصریح آیات و روایات خاتم النبیین یعنی هیچ نبی بعد از حضرت ختمی مرتبت صلی الله علیه و آله نخواهد بود و هر کس ادعای نبوت کند واجب القتل و اهل آتش است.
۴. مدعی یمانی نبوت را برای ائمه اطهار علیهم السلام و تمام مؤمنین باور داشته و مقام نبوت را یک مقام اکتسابی شمرده است و وحی را امری مستمر در بستر بشریت تا دامنۀ قیامت می‌داند؛ در حالی که باید گفت اگرچه رسیدن به مقامات شامخ الهی نیاز به شایستگی‌های لازم دارد و این شایستگی‌ها شرط لازم است نه شرط کافی و لکن این مقام امتنایی و موهبتی است که نصیب هر کسی نمی‌شود و اگر بنا بود به صرف شایستگی‌ها انسان‌های مؤمن به مقام نبوت نائل آیند چه کسی شایسته‌تر از حضرت صدیقه طاهره سلام الله علیها و ائمه هدی علیهم السلام بود؟
۵. مدعی یمانی برای رسیدن به اغراض خویش نظیر ادعای نبوت و رسالت و... در معنا و مفهوم وحی دست‌اندازی نموده و باب نبوت را باز دانسته تا از این رهگذر به اثبات ادعاهای خویش فائق آید؛ در حالی که معنای وحی همان معنایی است که در اذهان مخاطبین روشن و آشناست؛ یعنی وحی رابطه خاصی بین خداوند و انبیای الهی و نوعی سخن گفتن خداوند با انبیای الهی است. پس وحی متوقف بر نبوت است و وحی رسالتی که با نبوت خاتم النبیین ختم می‌شود و نبوتی بعد از او نخواهد بود.

## کتابنامه

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۲ش)، **الخصال**، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۹۸ش)، **التوحید**، قم، جامعه مدرسین.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳ق)، **من لا يحضره الفقيه**، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی (بی تا)، **الأمالی**، مؤسسه البعثة.
۵. ابن حنبل، احمد بن محمد (۱۴۱۶ق)، **مسند الإمام أحمد بن حنبل**، لبنان، مؤسسه الرسالة.
۶. ابن طاووس، علی بن موسی (۱۴۰۹ق)، **إقبال الأعمال**، تهران، دار الكتب الاسلامیه.
۷. ابن طاووس، علی بن موسی (۱۳۳۰ق)، **جمال الأسبوع بكمال العمل المشروع**، قم، دار الرضی.
۸. ابن عربی، محمد بن علی (بی تا)، **فتوحات مکیه**، قم، آل البيت لإحياء التراث.
۹. ابن فارس، احمد بن فارس (بی تا)، **معجم مقاییس اللغة**، قم، مكتب الاعلام الاسلامی.
۱۰. ابن منظور، محمد بن مکرم (بی تا)، **لسان العرب**، بیروت، دار الصادر.
۱۱. جوهری، اسماعیل بن حماد (بی تا)، **الصحاح**، بیروت دار العلم للملایین.
۱۲. حکیم، محد باقر، (۱۴۱۷ق)، **علوم قرآن**، قم، مجمع الفكر الإسلامی.
۱۳. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، **وسائل الشیعه**، قم، بی نا.
۱۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (بی تا)، **مفردات الفاظ القرآن**، بیروت، دار القلم.
۱۵. زبیدی، مرتضی (بی تا)، **تاج العروس من جواهر القاموس**، بیروت، دار الفكر.
۱۶. صفار، محمد بن حسن (۱۴۰۴ق)، **بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد صلی الله علیهم، قم،**  
مکتبه آیه الله المرعشی.
۱۷. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۳۶۳ش)، **مفاتیح الغیب**، تهران، وزارت فرهنگ  
آموزش عالی.
۱۸. طریحی، فخر الدین بن محمد (۱۳۷۵ش)، **مجمع البحرين**، تهران، مرتضوی.
۱۹. عمید، حسن (۱۳۸۷ش)، **فرهنگ فارسی عمید**، تهران، موسسه انتشارات امیرکبیر.
۲۰. فراهیدی، خلیل بن أحمد (بی تا)، **کتاب العین**، بی جا، دار و مکتبه الهلال.
۲۱. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب (بی تا)، **قاموس المحيط**، بیروت، دار العلم للجمع.

۲۲. فیومی، احمد بن محمد (بی تا)، المصباح المنیر فی غریب شرح الکبیر للرافعی، قم، مؤسسه دار الهجرة.

۲۳. قرشی بنایی، علی اکبر، قاموس قرآن، ج ۴، چاپ ششم، تهران، دار الکتب اسلامی، ۱۴۱۲ق.

۲۴. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق)، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، قم، کنگره شیخ مفید

۲۵. مصطفوی، حسن (۱۳۶۸ش)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، بی نا.

### کتب احمد اسماعیل بصری و اتباع وی

۱. بصری، احمد الحسن (۱۳۹۴ش)، پاسخ های روشن گر بر بستر امواج، نجف، انتشارات انصار امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.

۲. بصری، احمد الحسن (۱۴۳۱ق)، المتشابهات، نجف، انتشارات انصار امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.

۳. بصری، احمد الحسن (۱۴۳۱ق)، النبوءة الخاتمة، نجف، انتشارات انصار امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.

۴. بصری، احمد الحسن (۱۴۳۲ق)، الجواب المنیر، نجف، انتشارات انصار امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.

۵. بصری، احمد الحسن (۱۳۹۴ش)، پاسخ های روشن گر بر بستر امواج، انتشارات انصار امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.

۶. بصری، احمد الحسن (۱۴۳۶ق)، همگام با بنده صالح، ج ۲، نجف، بی نا. انتشارات انصار امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.

۷. بصری، احمد الحسن (بی تا)، نبوت خاتم نبوت محمد صلی الله و علیه و آله و سلم. انتشارات انصار امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.

۸. السالم، علاء (۱۴۳۳ق)، قبل از طوفان دوم احمد موعود، بی جا، بی نا. انتشارات انصار امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.